

انتخاب کابینه در اتاق شیشه‌ای

محمد جواد حق‌شناس در گفت‌وگو با «اعتماد» از ویژگی‌های کابینه دولت چهاردهم می‌گوید

کابینه باید ملی، مشارکتی، تخصصی، کارآمد و جوان باشد

□ مهدی بیک اوغلی

انتخابات تیرماه 1403، شرایط تازه‌ای را پیش روی کشور گشود. چه افرادی که رای دادند و چه افرادی که در انجماد تحریمی ماندند نسبت به شرایط تازه حس خوبی دارند. افرادی که رای دادند از تعبیر نجات ایران استفاده می‌کنند و افرادی که رای هم ندادند احساس می‌کنند که کشور وارد دوره تازه‌ای شده است. علایم این دوران تازه در بازارهای اقتصادی کشورمان به عینه قابل مشاهده است. برای تداوم و گسترش این فضا، نیازمند اتخاذ تصمیمات معقول هستیم. مردم، کارشناسان و تحلیلگران همه منتظرند ببینند، شمایل کابینه چهاردهم چگونه شکل می‌گیرد. هرچند لازم است مجموعه‌ای از معتمدان، افراد کارکرده و آشنا به مدیریت کشور، شخصیت‌ها و... موضوع انتخاب کابینه را تدبیر کنند، اما نمی‌توان روند انتخاب کابینه را تنها محدود به چند فرد خاص کرد. در تفکر و اندیشه پزشک‌یان مدیریت مشارکتی نهفته است. وعده آن هم داده شده است. در وهله نخست لازم است از همه آحاد ملت، در فاز دوم نخبگان و متخصصان هر بخش نظرخواهی شود تا نهایتاً اجتماع عمومی و اجماع نخبگانی برای انتخاب کابینه شکل گیرد. مثلاً اگر قرار است فردی برای پست وزارت ارشاد معرفی شود، خانه تئاتر، خانه موسیقی، خانه هنرمندان، سینمایی‌ها، اهالی مطبوعات و افراد و گروه‌هایی که به نوعی با فرهنگ در ارتباط هستند باید در انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نظر دهند، ضمن اینکه نظرات آنها مورد توجه قرار گیرد. لازم است، ستاد و حلقه نزدیک به پزشک‌یان سامانه‌ای را طراحی کرده و برای

انتخاب کابینه آن را به مردم و نخبگان معرفی کند. برای حوزه‌های اقتصادی، اساتید حوزه اقتصاد، دانشجویان اقتصادی، اصناف، فعالان اقتصادی، نمایندگان کمیسیون‌های اقتصادی مجلس در ادوار گوناگون و... نظر دهند. دولت پزشکیان باید دولت پزشکیان باشد و نه دولت هیچ فرد دیگری. این دولت نباید هیچ شباهتی به دولت‌های قبلی داشته باشد. اگر با ظرافت عمل نشود، اتهامات بسیاری به دولت وارد شده و انرژی دولت را مصروف حاشیه‌ها می‌کند. از سوی دیگر میانگین سنی کابینه باید حول و حوش 50 تا 60 و 65 سال باشد. لازم است افراد انتخاب شده، تجربیات اجرایی مناسبی نیز داشته باشند. این روند باید در اتاق شیشه‌ای و با مشارکت مردم تدارک دیده شود تا یکایک ایرانیان خود را در این روند دخیل ببینند. یکی از موضوعات مهم این است که کابینه باید از تندروی و افراط به دور باشد. دولت پزشکیان باید تبلوری از اعتدال، اصولگرایی و اصلاح‌طلبی هم باشد. چهره‌های قومی و قبیله‌ای هم باید در این دولت مشارکت داشته باشند. اعتماد برای ارزیابی مختلف موضوع از این شماره، پرونده‌های ویژه‌ای را در این زمینه باز می‌کند تا نهایتاً بهترین کابینه در راستای مطالبات مردم شکل بگیرد. در این شماره محمدجواد حق‌شناس، فعال سیاسی و فرهنگی اصلاح‌طلب مخاطب پرسش‌های «اعتماد» در این زمینه قرار گرفته است تا تصویری از کابینه مطلوب فراهم شود.

پس از انتخابات مهم‌ترین پرونده پیش روی دولت، انتخاب کابینه‌ای کارآمد و متخصص در راستای مطالباتی است که مردم برای رفاه و پیشرفت دارند. مردم منتظرند، نخستین خروجی دولت جدید را در انتخاب کابینه، محک بزنند. از نظر شما کابینه متخصص چگونه شکل می‌گیرد؟

وقتی با پدیده انتخابات برخورد می‌کنیم، یک مفهوم جدی را باید به عنوان شاخص و محور این پدیده مورد توجه قرار بدهیم و آن اعمال اراده اکثریت یک جامعه است که منویات، آرزوها، مطالبات و خواسته‌هایش را از طریق صندوق‌های رای تفویض می‌کند. در واقع ملت نمایندگی می‌دهد به فردی که قصد دارد در حوزه قانون مطالبات آنها را راهبری کند. این انتخاب یا در قالب نمایندگی مجلس و ساختار تقنینی متبلور می‌شود یا در شمایل انتخاب رییس‌جمهوری و راس هرم قوه مجریه که خواست اکثریت جامعه، از طریق عملکرد آن عینیت پیدا می‌کند. معتمد 2 آورده‌گاه اخیر انتخاباتی در 8 و 15 تیرماه در یکی از حساس‌ترین برهه‌های این سرزمین در واقع نوع بازگشت است. بازگشت مردمی که طی 13 انتخابات اخیر به خاطر اعتراض، گلایه و زاویه نگاه

متفاوتی که با گفتمان حاکم و نظارت استصوابی داشتند، حاضر به مشارکت در انتخابات غیر رقابتی قبلی نشده بودند. با رخدادهایی که در انتخابات 1400 شکل گرفت و جدا از عدم مشارکت بالای 50 درصدی، مردم اعتراض خود را با آرای باطله به نمایش گذاشتند، کشور وارد دوران تازه‌ای از سکون و عدم مشارکت شد. این روند به دنبال آن بود که تکانه و تلنگری را به ساختار حاکمیتی وارد سازد تا توجه بیشتری به مطالبات مردم نشان دهد. این روند در انتخابات مجلس دوازدهم در سال 1402 هم تکرار شد و مشارکت را به پایین‌ترین حد رساند.

واکنش نظام حکمرانی به این تلنگر و تکانه مردمی چه بود؟ آیا پیام مردم را دریافت کرد؟

معتقدم نظام سیاسی در این انتخابات پیام مردم طی 3 انتخابات گذشته را دریافت کرده است. از سوی دیگر، تجربه خالصسازیهای سالهای گذشته توسط حکومت تجربه شد و عملاً این درک را ایجاد کرد که اگرچه ممکن است به لحاظ ذهنی و تئوریک مجموعه‌ای هماهنگ و یکدست، شکل دهد اما عملاً نتیجه عکس گرفته شد و دامنه وسیع از مفاسد و ناکارآمدی‌ها در این بازه زمانی ثبت شده است. مجموعه‌ای از فسادهای بزرگ از جمله فساد اعجاب‌آوری که در وزارت کشاورزی و ماجرای چای دبش به وقوع پیوست و همه رکوردهای قبلی در بزرگی فساد را شکست، ایجاد شدند. فسادی که به محکومیت 2 وزیر برای نخستین بار منتهی شد. همچنین تغییر مستمر وزرا در زمان‌های کوتاه عمر دولت مستقر نشان می‌داد که دولت حتی در به کارگیری نیروهایش هم فاقد تدابیر لازم است. این وزرا بدون استیضاح و استعفا و... تنها به دلیل ناکارآمدی‌ها و مفاسد تغییر پیدا می‌کردند. بنابراین هسته سخت قدرت دریافت که با یک چنین خالصسازی‌هایی نمی‌تواند ناترازی‌های بزرگ و ابرچالش‌های کشور را درک کند. به عبارت روشن‌تر، روند بازگشت مردم زمانی اتفاق افتاد که حاکمیت از مسیر اشتباه گذشته بازگشت کرد.

یکی از نمادهای ناکارآمدی در دولت سیزدهم عدم تحقق وعده‌های دولت بود. در این زمینه چه نظری دارید؟

وعده‌های بسیاری در این بازه زمانی (دولت سیزدهم) مطرح شدند، بدون اینکه نشانه‌ای از تحقق آنها نمایان شود. وعده‌هایی چون ساخت یک میلیون مسکن در هر سال و 4 میلیون مسکن طی 4 سال، اشتغالزایی 1.5 میلیون نفری طی یک سال، نصف شدن تورم، یکسان‌سازی نرخ ارز، افزایش رونق اقتصادی و... وعده‌های بر زمین مانده دولت بودند. این

روند ادامه داشت تا اینکه در ابتدای سال 1403 فرصتی برای تغییرات شکل گرفت و انتخابات زودرس از راه رسید. در این برهه رویکرد متفاوتی در امر انتخابات از سوی حاکمیت شکل گرفت. شورای نگهبان در این دوره به مساله رقابت توجه کرد و نامزد مورد تایید جریان اصلاحات از صافی احراز صلاحیتها عبور کرد. مردم هم با درک شرایط به طور نسبی مشارکت کرده و اجازه ندادند، طیفهای رادیکال سکان هدایت دولت را به دست بگیرند. این مشارکت به خصوص در دور دوم انتخابات شکل جدیتری به خود گرفت. مردم متوجه شدند که عدم حضور مطلق آنها در انتخابات باعث خواهد شد تا کشور به دست تندروها افتاده و وارد ورطه‌های خطرناکی شود. این حضور نسبی مردم برآمده از نقشه راهی بود که سید محمد خاتمی قبلاً ترسیم کرده بود. خاتمی عنوان کرده بود، براندازی نه ممکن و مناسب است و نه امکان آن در شرایط فعلی وجود دارد. در عین حال مشخص بود که ادامه وضع موجود هم امکان‌پذیر نخواهد بود. نهایتاً در انتخابات 15 تیر 1403 به نقطه‌ای رسیدیم که توافق نانوشته‌ای بین مردم و نظام سیاسی شکل گرفت. این توافق حول محور چهره‌ای به نام مسعود پزشکیان ایجاد شد تا کشور از وضعیت بن بست موجود به سمت اصلاح و بهبود گام بردارد.

موضوع انتخاب کابینه واجد اهمیت بسیاری است. پزشکیان با انتخاب کابینه‌اش به مردم نشان می‌دهد چه مسیری را قرار است دنبال کند.

البته، مهم‌ترین تصمیم پزشکیان و همراهان ایشان در این بازه زمانی، انتخاب کابینه‌ای متناسب با وعده‌ها و گفتمانی است که جریان اصلاحات و شخص پزشکیان در انتخابات تصویرسازی کرده است. مردم پس از انتخابات منتظرند ببینند چه کابینه‌ای قرار است از سوی پزشکیان معرفی شود. انتخاب درست در این حوزه، امیدواری‌ها را بیشتر کرده و مردم را نسبت به آینده امیدوار می‌کند. حضور وزرا و مدیران توانمند، مطمئن و کارآمد که بتوانند قوانین را اجرایی کنند بسیار مهم است. همانطور که پزشکیان قبلاً هم اشاره کرده بود ایران مشکل کمبود قانون و برنامه را ندارد، بلکه تنها به افراد و مدیرانی نیاز است که بتوانند زمینه حاکمیت قانون را فراهم کرده و مبتنی بر نظریات کارشناسی، در عین حال سلامت و پاکدستی ایده‌های ترسیم شده را اجرایی کنند. بر این اساس انتخاب افرادی با شاخصهایی چون پاکدستی، کارآمدی، تخصص، استفاده از عقل جمعی و مشورت‌پذیری، هماهنگی میان اعضای کابینه، و توجه به تکثر جامعه و... امری ضروری است. به عبارت روشن‌تر، کابینه پزشکیان باید به گونه‌ای باشد که طیفها و اقشار مختلف با این کابینه احساس قرابت و نزدیکی کنند.

این کارآمدی چگونه ایجاد میشود. پزشک‌یان چگونه می‌تواند پیام تغییر را ارسال کند؟

امروز دولت چهاردهم با آرای طیف‌های متکثر روی کار آمده است. نباید فراموش کرد این تکثر در رای پزشک‌یان هم هویدا بود. مجموعه‌ای از افراد اصلاح‌طلب، اعتدالی، طیف‌های مذهبی و حتی افراد و گروه‌هایی که ذیل تحول‌خواهان قرار می‌گیرند به پزشک‌یان رای دادند. این افراد و گروه‌ها توقع دارند که نشانه‌هایی از تفکرات خود را در کابینه به اندازه سهمی که دارند مشاهده کنند. در این صورت که کابینه چهاردهم می‌تواند حمایت اقشار مختلف را دریافت کرده و با تکیه بر این سرمایه اجتماعی کشور را به سمت رشد رهنمون سازند. یکی از معادلات مهم در شرایط فعلی، نحوه تعامل با جریان 60 درصد عدم مشارکتی‌هاست. این اقشار و طیف‌ها با عدم حضور خود در دور اول و حضور نسبی خود در دور دوم سیگنال و پیام‌های روشنی را به دولت و حاکمیت ارسال کردند. دولت باید مطالبات این اقشار را هم شناسایی کرده و تلاش کند اعتماد و اطمینان آنان را جلب کند. برای این منظور لازم است به گزاره‌هایی چون استفاده از وزرا و مدیران زن در کابینه، به رسمیت شناختن سبک زندگی جوانان، توسعه مناسبات ارتباطی با جهان، مقابله با فیلترینگ و... در فرآیند انتخاب کابینه توجه شود.

همچنین کابینه باید مبتنی بر اجماع نخبگانی تشکیل شده و در آن نشانه‌های روشنی از حرکت به سمت رشد و توسعه پایدار مشاهده شود. نحوه انتخاب اعضای کابینه به نظرم اهمیت بسیاری دارد. همان‌طور که پزشک‌یان تاکیدات بسیاری داشته، کابینه باید کابینه‌ای ملی، مشارکتی، تخصصی، کارآمد و جوان باشد.